

بررسی میزان همخوانی برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده
مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان

حسن ملکی^۱
علی دلاور^۲
غلامعلی احمدی^۳
محسن حاجی تبار فیروزجائی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۸

تاریخ وصول: ۹۱/۹/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر میزان همخوانی برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در شهر تهران را مورد مطالعه قرار داده است. این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل، اعضای شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی، مدیران، معلمان، سرگروه‌های آموزشی و دانش‌آموزان سال اول دبیرستان بوده است. حجم نمونه پژوهش شامل ۲۰ مدیر، ۲۰۰ دانش‌آموز، ۱۹ سرگروه آموزشی مطالعات اجتماعی شهر تهران، ۶۰ دانش‌آموز به عنوان نمایندگان گروه‌های

maleki-@yahoo.com

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر رجایی

۴- دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه علامه طباطبائی

دانش‌آموزان و ۵۲ معلم بودند. برای معلمان و مدیران، دانش‌آموزان و نمایندگان دانش‌آموزان از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. داده‌های مورد نیاز بر اساس مطالعه و تحلیل کلیه اسناد مربوطه به برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی، نظر سنجی از اعضای شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی، مدیران، معلمان، سرگروه‌های آموزشی، دانش‌آموزان، اجرای آزمون دانشی، مهارتی و نگرشی، میانگین نمرات مستمر و پایانی و مشاهده ۲۰ کلاس درس مطالعات اجتماعی در شهر تهران گردآوری شده است. نتایج این پژوهش، ضمن ارائه تصویری روشن از برنامه درسی مطالعات اجتماعی در سه مرحله یاد شده حاکی از آن است، با آن‌که برنامه درسی مطالعات اجتماعی طرح نسبتاً مناسبی دارد، اما در مرحله اجرا با مشکلات متعددی مانند ناکافی بودن آموزش معلمان، عدم دسترسی به امکانات مورد نیاز برای آموزش، سنگینی محتوا و ... روبه‌رو است. همچنین بر اساس بررسی نمرات دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی و نتایج سه آزمون دانشی، مهارتی و نگرشی، عملکرد دانش‌آموزان در آزمون دانشی خوب بوده، اما آزمون مهارتی در حد رضایت‌بخش بوده عملکرد دانش‌آموزان در آزمون نگرشی ضعیف بوده است. بنابراین با توجه به ضعف‌های مشاهده شده در اجرا و همچنین تحقق نیافتن هدف‌های نگرشی و مهارتی، لازم است شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی، مدیران و معلمان با تلاش بیشتر، راهکارهای مناسب در زمینه کاهش ناهماهنگی‌ها موجود در سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان ارائه دهند.

واژگان کلیدی: برنامه درسی، برنامه درسی قصد شده، برنامه درسی اجرا شده، برنامه درسی کسب شده.

مقدمه

از جمله مسائل مهمی که معمولاً کل جوامع، مخصوصاً جوامع در حال رشد، در ارتباط با آموزش و پرورش با آن مواجه هستند، ارزشیابی است. از آنجا که برنامه‌های درسی، نقش محوری در نظام آموزشی دارند، بنابراین بررسی میزان همخوانی برنامه‌های درسی قصد شده،

اجرا شده و کسب شده به منظور ارائه برنامه‌های درسی متناسب و نظام آموزشی کارآمد، امر مهم و حیاتی است. برنامه درسی مجموعه‌ای از طرح‌هایی که برای هدایت یادگیری در مدارس از آن استفاده می‌شود. معمولاً این برنامه در اسناد قابل بازیابی در چند سطح کلی عرضه می‌شود. علاوه بر آن به اجرا در آوردن این طرح‌ها به همان شکلی که یادگیرندگان آن را تجربه می‌کنند و یک ناظر آن را ضبط می‌نماید هم اطلاق می‌شود. این تجارب در محیط یادگیری اتفاق می‌افتند. محیطی که محتوای یادگیری را هم تحت تأثیر قرار می‌دهند (گلاتثورن، بوسکو، وایتهد و بوسکو^۱، ۲۰۱۲، ص ۵).

در فرایند طراحی، تولید و اجرای برنامه‌های درسی معمولاً از سه نوع برنامه درسی قصد شده^۲، اجرا شده^۳ و کسب شده^۴ سخن به میان می‌آید. برنامه‌درسی قصد شده که گاهی اوقات به آن، برنامه درسی «نوشتاری» یا «رسمی» هم گفته می‌شود (تشرینگ^۵، ۱۹۹۸، ص ۶). به آرمان‌ها، هدف‌ها، محتوا و روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه ارزشیابی پیشرفت یادگیری در یک برنامه درسی اشاره می‌کند. برنامه درسی قصد شده توسط کارشناسان و برنامه‌ریزان تهیه و تولید شده و در سطح ملی یا نظام آموزشی به مدارس تجویز می‌شود. این برنامه در یک نظام آموزشی معمولاً از طریق تحلیل کتاب‌های درسی، راهنمای برنامه، امتحانات، دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های رسمی، مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد (رویتایل^۶، ۱۹۹۳، ص ۲۷). منظور از برنامه‌درسی اجرا شده، مجموعه اقدامات و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری است که بر اساس برنامه‌درسی مورد نظر و آنچه که معلمان از آن برداشت کرده‌اند در محیط واقعی مدرسه و کلاس‌های درس به اجرا در می‌آید. این برنامه در سطح کلاس درس است و در واقع تفسیر و برداشتی از برنامه درسی قصد شده توسط معلمان است که با توجه به تجربه و اعتقاد آنها در

1. Glatthorn, Bosche, Whitehead & Bosche
2. Intended curriculum
3. Implemented curriculum
4. Attained curriculum
5. Tshering
6. Robitaille

کلاس درس به اجرا در می‌آید (اسکیمدت^۱ و همکاران، ۱۹۹۷، ص ۵). مراد از برنامه‌درسی کسب‌شده در واقع یادگیری‌هایی است که از طریق به اجرا در آمدن برنامه‌درسی در مجموعه دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان به وجود می‌آید. انتظار می‌رود که در این مرحله دانش‌آموزان بتوانند به بخش قابل توجهی از هدف‌های برنامه‌درسی قصدشده نایل گردند به طور کلی این برنامه در سطح دانش‌آموزان است و به نتایج حاصل از رویدادهای که در کلاس درس اتفاق می‌افتد اشاره دارد (احمدی، ۱۳۸۵؛ مونیکا^۲، ۲۰۰۳، ص ۵). وجود فاصله و ناهماهنگی بسیار میان سه برنامه مذکور به عنوان ضعف اساسی در هر برنامه درسی قلمداد می‌شود که گروه دست‌اندر کار فرایند برنامه‌ریزی درسی باید بکوشد تا آن را به حداقل برساند. از آنجا که برنامه‌درسی قصدشده طرحی است برای آموزش و یادگیری، صرف توجه به ارزشیابی تکوینی^۳ و پایانی^۴ در مراحل شکل‌گیری و تولید یک برنامه، فراهم کننده ضمانت اجرایی برای موفقیت آن در موقعیت واقعی کلاس‌های درس نیست. برنامه‌درسی قصدشده ممکن است تحت تأثیر عوامل گوناگون، طبق پیش‌بینی‌های انجام شده به اجرا در نیاید و در نهایت هدف‌های آموزشی آن به نحو مطلوب در فراگیران محقق نشود.

بر این اساس، برای شناسایی نقاط قوت و ضعف یک برنامه درسی ضروری است که با روش نظام‌مند و همزمان در مرحله اجرای سراسری، سه برنامه قصدشده، اجراشده و کسب‌شده ارزشیابی شوند. مسلماً، یافته‌ها و اطلاعات به دست آمده از این ارزش‌یابی علاوه بر نشان‌دادن و بازنمایی مسائل و مشکلات مربوط به هر یک از عناصر برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی، اطلاعات ارزشمندی را برای دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی این درس، معلمان مطالعات اجتماعی، مدیران مدارس و اعضای گروه‌های آموزشی درس مطالعات اجتماعی فراهم خواهد آورد، تا

1. Schmidt
2. Monica
3. Formative evaluation
4. Summative evaluation

بتوانند برای اصلاح، بهبود و یا تغییر این برنامه در راستای نیازهای جامعه و فراگیران گام‌های اساسی بردارند.

با عنایت به موارد مذکور، ضروری است که برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی در جریان اجرا مورد مطالعه قرار گرفته و میزان همخوانی آن با برنامه‌درسی قصد شده بررسی گردد. لذا ترسیم تصویری از برنامه درسی مطالعات اجتماعی در سه حالت یاد شده اهمیت خود را نشان می‌دهد. انجام چنین پژوهشی می‌تواند مسائل و مشکلات احتمالی بین سه بخش یاد شده را از جهت وجود تعادل و همخوانی مشخص نماید و اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه طراحی و اجرای برنامه‌های درسی در اختیار دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی مطالعات اجتماعی قرار دهد.

پژوهش حاضر برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده را به صورتی که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته بررسی نموده و رابطه بین عناصر و متغیرهای مربوطه را به صورت تفکیک شده و هم به طور کلی بین عوامل مرتبط به هم تعیین می‌نماید. بنابراین چنین اطلاعاتی به دو دلیل مورد نیاز متولیان و برنامه‌ریزان در هر کشوری است.

اخلاقی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان هماهنگی و همخوانی برنامه درسی قصد شده و اجرا شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان». نتیجه گرفت: به جز عنصر محتوا و هدف‌های نگرشی و دانشی در دیگر عناصر برنامه درسی اعم از هدف‌های مهارتی و روش‌های تدریس و ارزشیابی میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده مطالعات اجتماعی همخوانی وجود ندارد.

کاظم‌پور (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی برنامه‌درسی اجرا شده درس مطالعات اجتماعی آموزش متوسطه شاخه نظری بر اساس مدل سه بعدی رویتایل از دیدگاه دبیران و مقایسه آن با برنامه‌درسی قصد شده» نتیجه گرفت: دانش‌آموزان در دستیابی به قلمروهای شناختی برنامه‌درسی قصد شده مطالعات اجتماعی موفق بوده‌اند، در حالی که در دستیابی به قلمروهای نگرشی و مهارتی برنامه‌درسی قصد شده درس مطالعات اجتماعی موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند.

مفتخر (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی تفاوت برنامه‌درسی قصدشده و اجراشده شهروند مسئول در دوره آموزش متوسطه نظری از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی» بیان می‌دارد: به طور کلی میزان تفاوت و تطابق برنامه‌درسی قصدشده و اجراشده شهروند مسئول با توجه به سه سطح ارزیابی (کم، متوسط و زیاد) در چهار عنصر برنامه‌درسی (هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی) در سطح متوسط و قابل قبولی قرار دارد.

نارمنجی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول نظام جدید متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان و دبیران» بیان می‌دارد: به جز در اصل هماهنگی محتوا با هدف‌های آموزش اجتماعی در سایر موارد اعم از هماهنگی محتوا با توانایی ذهنی یادگیرنده‌گان، توجه به علایق دانش‌آموزان، آشنا ساختن دانش‌آموزان با حقوق و وظایف اجتماعی و شرکت در امور مدنی، ایجاد فرصت‌های مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی خارج از کلاس دانش‌آموزان و سازماندهی و ارتباط مطالب فصول با یکدیگر به میزان مطلوب رعایت نشده است.

در جمع‌بندی کلی از یافته‌های پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه می‌توان چنین نتیجه گرفت که پژوهش‌های پیشین، همگی، جنبه‌هایی از برنامه‌درسی قصدشده و اجراشده مطالعات اجتماعی را در پایه‌های متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند و در مورد برنامه‌درسی کسب‌شده یعنی اثر اجرای برنامه‌ی مطالعات اجتماعی بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. از این نظر پژوهش حاضر نخستین مطالعه در این زمینه است که اولاً، سه برنامه‌درسی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده مطالعات اجتماعی را در ارتباط با هم و به شیوه‌ای نظام‌یافته بررسی می‌کند، ثانیاً میزان تحقق اهداف برنامه مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان را بررسی و ارزشیابی می‌کند و ثالثاً، برخلاف پژوهش‌های قبلی که فقط به چهار عنصر برنامه‌درسی (هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی) توجه داشتند این پژوهش به دیگر عناصر و همچنین به آماده‌سازی معلمان و مدیران و همچنین تجهیزات و امکانات نیز پرداخته است.

بیان مسأله

فرایند برنامه‌ریزی درسی شامل سه مرحله طراحی و تولید، اجرا و ارزشیابی است. دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی درسی بر این باورند که معمولاً بین آنچه که برنامه‌ریزان درسی به عنوان برنامه‌درسی قصد شده طراحی و تولید می‌کنند و آنچه که در عمل از جانب معلمان و دانش‌آموزان در کلاس درس اجرا می‌شود و آنچه که فراگیران در اثر اجرای برنامه کسب می‌کنند و جز آموخته‌های آنان قرار می‌گیرد، فاصله قابل توجهی وجود دارد (مهر محمدی، ۱۳۸۳).

به همین جهت تمام کوشش برنامه‌ریزان درسی آن است که با نظارت بر فرایند اجرای برنامه تا حد امکان بتوانند ارتباط این سه مرحله را با یکدیگر تشخیص داده و از این طریق به کاهش فاصله بین سه برنامه قصد شده، اجرا شده و کسب شده کمک کنند. گودلد^۱ تفاوت نظر و عدم توافق بین برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده را ناشی از جدایی وسیله‌ها و هدف‌ها در تعلیم و تربیت می‌داند (خوی نژاد، ۱۳۷۸، ص ۳۶۰).

همخوانی برنامه درسی عبارت از حصول اطمینان در هماهنگی نزدیک و دقیق برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده است. بنابراین صرف نظر و چشم‌پوشی از تحقیقات مهم، سدی عمده در ایجاد و شکل‌گیری همخوانی میان برنامه‌های درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده به شمار می‌رود. در اکثر مدارس، هماهنگی اندکی میان سه برنامه درسی مطرح شده وجود دارد. لذا، مدیران و معلمان مدارس به آسانی قادر به حل این مسائل از طریق ایجاد یک برنامه درسی منسجم و پایدار هستند (گل‌تورن، بوسکو و وایتهد^۲، ۲۰۰۹).

بنابراین در فرایند طراحی، تولید و اجرای برنامه‌های درسی آنچه که بیش از همه ذهن برنامه‌ریزان درسی را به خود مشغول کرده است پاسخ دادن به این پرسش اساسی است که تا چه اندازه در مراحل مختلف شکل‌گیری و اجرای برنامه‌درسی و نهایتاً آنچه که در عمل

1. Goodlad
2. Glatthorn, Bosche, Whitehead & Bosche

دانش‌آموزان یاد می‌گیرند هماهنگی و همخوانی وجود دارد. دریافت پاسخ مناسب برای این سؤال، دست‌اندرکاران فرایند برنامه‌ریزی درسی را بر آن می‌دارد تا با نوعی دقت و وسواس علمی کلیه مراحل طرح‌ریزی، تولید و اجرای برنامه‌درسی را در صحنه واقعی مدرسه و کلاس درس دنبال نمایند تا از این طریق وجود تفاوت میان این مراحل را به حداقل رسانده و اقدامات لازم را در جهت تصحیح حرکت و ایجاد تعادل و همخوانی در برنامه‌درسی ایجاد شده به عمل آورند.

اکنون می‌توان این پرسش اساسی را مطرح ساخت که آیا برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی بر اساس برنامه‌قصد شده در سطح مدارس کشور به اجرا در می‌آید؟ مشکلات اجرای این برنامه از دیدگاه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان کدام است؟ تا چه اندازه اجرای این برنامه توانسته است دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های مورد انتظار را در مخاطبان خود پدید آورد؟ چه بخش‌هایی از اجزاء و عناصر این برنامه به تغییر، بازنگری و اصلاح نیاز دارد؟ تا چه اندازه برنامه‌درسی اجرا شده و کسب شده درس مطالعات اجتماعی در چهار عنصر اصلی برنامه یعنی هدف، محتوا، روش یاددهی - یادگیری و ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان، هماهنگ با برنامه‌درسی قصد شده است و مشکلات و عدم تعادل‌ها در برنامه‌های یاد شده در چه مواردی است؟ یافتن پاسخ‌هایی مناسب برای پرسش‌هایی از این دست، پژوهشگر را بر آن داشته است که به طور جامع برنامه‌درسی اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان را مورد ارزش‌یابی قرار دهد. بر این اساس، این پژوهش با استناد به نظرسنجی و بررسی عملکرد مدیران، معلمان، دانش‌آموزان مدارس نمونه منتخب از شهر تهران و همچنین نظرسنجی از اعضای گروه‌های آموزشی و اعضای شورای شورای برنامه‌ریزی و مولفان کتاب انجام گرفته است تا از این طریق اطلاعات لازم را برای اتخاذ تصمیمات مقتضی در جهت اصلاح و بهبود برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی در اختیار دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی آموزشی قرار دهد.

هدف‌های تحقیق

- ۱- ارزیابی و شناسایی فرآیند طراحی و تدوین برنامه درسی مطالعات اجتماعی (برنامه قصد شده) در چهار عنصر عمده هدف، محتوا، روش یاددهی- یادگیری و ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان.
- ۲- بررسی و ارزیابی نحوه اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی (برنامه اجرا شده) در مواردی از قبیل: آماده سازی و توجیه معلمان و تعقیب عناصر هدف، محتوا، روش یاددهی- یادگیری و ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان.
- ۳- ارزیابی میزان یادگیری دانش‌آموزان (برنامه کسب شده) شامل دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش از طریق اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی.
- ۴- ارزیابی دیدگاه و نظرات معلمان و مدیران در مورد کیفیت برنامه درسی مطالعات اجتماعی و اثرات این برنامه بر نحوه نگرش آنها.
- ۵- ارائه تصویر کلی از میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی با توجه به عناصر مؤثر در برنامه درسی.
- ۶- تدوین و ارائه الگوی مطلوب به منظور کم کردن فاصله بین سه برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی با توجه به عناصر مؤثر در برنامه درسی.

سوال‌های تحقیق

با توجه به اینکه حوزه این بررسی، سه برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده و میزان همخوانی میان این سه برنامه است، پرسش‌های ویژه پژوهشی در ارتباط با هر یک از این سه برنامه به شرح زیر است:

الف- پرسش‌های مربوط به برنامه درسی قصد شده

- ۱- جهت دهی ارزش و فلسفی (فرض‌های اساسی) در برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه بوده است؟

- ۲- نیاز سنجی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه صورت گرفته است؟
 - ۳- هدف‌های برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه انتخاب و تدوین شده‌اند؟
 - ۴- محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه انتخاب و سازماندهی شده است؟
 - ۵- الگو و روش‌های یاددهی- یادگیری، در برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه انتخاب و سازماندهی شده است؟
 - ۶- از چه روش‌هایی برای ارزشیابی پیشرفت یادگیری دانش آموزان در برنامه درسی مطالعات اجتماعی استفاده شده است؟
 - ۷- فرآیند ارزشیابی تکوینی از برنامه درسی مطالعات اجتماعی (در زمان طراحی و تدوین برنامه) چگونه بوده است؟
- ب- پرسش‌های مربوط به برنامه‌درسی اجراشده
- ۱- آماده‌سازی و توجیه معلمان و مدیران نسبت به برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی چگونه صورت گرفته است؟
 - ۲- برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان تا چه اندازه از نظر امکانات و تجهیزات مورد حمایت قرار گرفته است؟
 - ۳- تا چه اندازه هدف‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی (در کلاس‌های درس) پیگیری می‌شود؟
 - ۴- معلمان و دانش‌آموزان تا چه اندازه محتوای پیش‌بینی شده در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی را در مدارس اجرا می‌کنند؟
 - ۵- تا چه اندازه از روش‌های یاددهی- یادگیری پیش‌بینی شده در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی استفاده می‌کنند؟
 - ۶- تا چه اندازه شیوه ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در برنامه درسی مطالعات اجتماعی مطابق با روش‌های پیش‌بینی شده در برنامه به اجرا در می‌آید؟

ج- پرسش‌های مربوط به برنامه‌درسی کسب‌شده

۱- تا چه اندازه هدف‌های دانشی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در دانش‌آموزان محقق شده است؟

۲- تا چه اندازه هدف‌های مهارتی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در دانش‌آموزان محقق شده است؟

۳- تا چه اندازه هدف‌های نگرشی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در دانش‌آموزان محقق شده است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی است که در آن با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا، نظرسنجی از معلمان، مدیران، دانش‌آموزان، سرگروه‌های آموزشی و کارشناسان مطالعات اجتماعی و همچنین، مشاهده فرآیند اجرای برنامه در کلاس‌های درس و در نهایت اجرای سه آزمون دانشی، مهارتی و نگرشی در مورد پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان، به توصیف و مقایسه سه برنامه‌درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان می‌پردازد.

جامعه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش به شرح زیر است:

۱- کلیه اسناد، شامل راهنمای برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی، کتاب درسی و کتاب راهنمای تدریس مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان.

۲- اعضای شورای برنامه‌ریزی درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان اعم از کارشناسان، برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان.

۳- کلیه معلمان مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان شاغل در سازمان آموزش و پرورش شهر تهران.

- ۴- کلیه دانش‌آموزان پایه‌های اول دبیرستان مناطق نوزده گانه شهر تهران.
- ۵- کلیه مدیران مدارس دبیرستان مناطق نوزده گانه شهر تهران.
- ۶- کلیه معلمان عضو گروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی در سطح مناطق نوزده گانه شهر تهران.

روش‌های نمونه‌گیری

برای انتخاب نمونه مناسب از جوامع مورد نظر در این ارزشیابی از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شرح زیر استفاده شده است:

روش نمونه‌گیری در سطح جامعه کارشناسان، برنامه‌ریزان درسی گروه علوم اجتماعی و مؤلفان کتاب به روش شمارش کامل افراد بوده است.

به منظور انتخاب نمونه مورد نظر در این پژوهش، ابتدا مناطق نوزده گانه شهر تهران به پنج حوزه جغرافیایی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم گردید و از هر حوزه یک منطقه آموزشی به قید قرعه برگزیده شده (مناطق ۲، ۶، ۸، ۱۹ و ۱۴)، سپس از هر منطقه آموزشی به طور تصادفی ۲ مدرسه دبیرستان پسرانه و ۲ مدرسه دبیرستان دخترانه انتخاب گردید. در مرحله بعد در مدارس منتخب از میان کلاس‌های موجود ۱ کلاس به قید قرعه انتخاب گردید. در آخرین مرحله از میان دانش‌آموزان کلاس‌های منتخب از هر کلاس ۱۰ دانش‌آموز به روش تصادفی به عنوان نمونه مورد نظر برگزیده شد.

کلیه مدیران مدارس منتخب و همچنین کلیه معلمان کلاس‌های منتخب به عنوان نمونه آماری سازمان آموزش و پرورش تهران در این ارزشیابی شرکت نمودند.

۵- فرم نظرخواهی از سرگروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی و نمایندگان گروه‌های دانش‌آموزان به منظور بررسی کم و کیف برنامه درسی مطالعات اجتماعی، روش‌های تدریس و ارزشیابی معلمان، نحوه انجام فعالیت‌های گروهی و بررسی نقاط قوت و ضعف مربوط به درس مطالعات اجتماعی

۶- برگه‌های آزمون دانشی، نگرشی و مهارتی به منظور سنجش میزان یادگیری و تغییر رفتار دانش‌آموزان در سه حوزه دانستنی‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌ها.

۷- نمرات پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در امتحانات نوبت دوم و پایانی به منظور مقایسه این نمرات با نمراتی که دانش‌آموزان در آزمون دانشی، نگرشی و مهارتی دریافت کرده‌اند. تا از این طریق اثرات برنامه اجرا شده بر تغییر رفتار آن‌ها مورد بررسی و سنجش قرار گیرد.

روش تعیین روایی و پایایی ابزارهای پژوهش

به منظور تعیین روایی کلیه ابزارهای پژوهش از نظرات کارشناسان و اعضای شورای برنامه‌ریزی مطالعات اجتماعی دوره دبیرستان، ۲ نفر از معلمان مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان، ۲ نفر از سرگروه‌های آموزش مطالعات اجتماعی و نظرات استاد راهنما و مشاور استفاده شد.

برای تعیین برآورد پایایی یا ثبات درونی ابزارهای طرح از فرمول آلفای کرونباخ (با در نظر گرفتن مشخصه‌های آماری سؤالات هر ابزار) استفاده شد.

مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای هر یک از ابزارهای این طرح در جدول ۱ اشاره شده است.

جدول ۱. ضریب آلفای کرانیاخ برای هر یک از ابزارهای طرح

ردیف	نوع ابزار	مقدار ضریب آلفای کرانیاخ
۱	پرسش‌نامه نظرسنجی از مدیران	۰/۹۲۱
۲	پرسش‌نامه نظرسنجی از معلمان	۰/۹۵۲
۳	پرسش‌نامه نظرسنجی از دانش‌آموزان	۰/۸۶۱
۴	چک‌لیست مشاهده از روش‌های تدریس معلمان	۰/۸۹۷
۵	آزمون دانشی پیشرفت تحصیلی	۰/۹۱۲
۶	آزمون مهارتی پیشرفت تحصیلی	۰/۸۹۰
۷	آزمون سنجش‌نگرش دانش‌آموزان	۰/۸۷۱

در مورد پایایی ابزارهای کیفی طرح (فرم نظرسنجی با اعضای گروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی و فرم نظرسنجی با نمایندگان دانش‌آموزان) از روش توافق ارزش‌یابان (استاد راهنما و مشاور) استفاده شد. بدین معنی که دو ارزش‌یاب به طور جداگانه تعدادی از موارد را ارزش‌یابی کردند، توافق نظر بین آنها نشان داد که ابزارهای تهیه شده از ثبات ارزشیابی برخوردارند.

روش تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های مرتبط با هر یک از پرسش‌های حوزه‌های اجرایی از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. برای توصیف داده‌های کمی از روش‌های آمار توصیفی (مانند: تشکیل جداول، توزیع فراوانی، درصد و میانگین) استفاده شد همچنین برای آزمون تفاوت‌های مشاهده شده بین میانگین نمرات گروه‌ها در سؤالات پرسش‌نامه‌ها و آزمون‌های پیشرفت یادگیری از روش‌های آمار استنباطی (مانند آزمون خی دو، آزمون کالموگرف-اسمیرو نوف، آزمون توکی و تحلیل واریانس یک طرفه) استفاده شد. به منظور تحلیل نتایج پرسش‌های باز پاسخ در هر یک از ابزارهای طرح از روش‌های کیفی که برگردآوری، ترکیب و تفسیر داده‌ها در قالب واژه‌ها و عبارات تأکید دارد استفاده شده است. در این موارد پاسخ‌های اینگونه سؤالات پس از تحلیل محتوای هر سؤال دسته‌بندی و

اولویت‌بندی شد. و سپس بر اساس درک مشترک از پاسخ‌های یکسان نتیجه کار در یک عبارت یا جمله تدوین شده و در موارد لزوم فراوانی و درصد معین گردید.

یافته‌های پژوهش

الف- پرسش‌های مربوط به برنامه‌درسی قصدشده

از جمع بندی مطالب عرضه شده در کتاب راهنمای معلم و جزوه راهنمای برنامه درسی و مجموعه نظرات اعضای شورای برنامه ریزی علوم اجتماعی می‌توان به موارد زیر دست یافت:

۱- جهت‌دهی ارزش و فلسفی (فرض‌های اساسی) در برنامه درسی مطالعات اجتماعی چگونه بوده است.

مبنای فلسفی و ارزشی برنامه درسی مطالعات اجتماعی عمدتاً هدف‌های نظام آموزشی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش بوده و از آنجایی که برنامه‌ریزان درسی باید قبل از هر چیز شناخت درستی از دیدگاه فلسفی، فرهنگ و نظام ارزشی خود داشته باشند. در برنامه درسی مطالعات اجتماعی، نظام ارزشی فرهنگ اسلامی ایرانی، با تکیه بر محوریت نظام تربیتی اسلام مبنای فلسفی و ارزشی بوده است. همچنین اعضای شورای برنامه‌ریزی و مولفان اعلام کرده‌اند که برنامه درسی مطالعات اجتماعی با استناد به برنامه‌ها یا کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی کشورهای دیگر طراحی نشده است، اما قبل از طراحی، برنامه مطالعات اجتماعی بعضی از کشورها نظیر استرالیا، ژاپن، کانادا، انگلستان و آمریکا مورد مطالعه قرار گرفت.

۲- نیاز سنجی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان به چه صورتی بوده، و بر اساس چه الگویی بوده است؟

از آنجایی که نیاز سنجی عبارت است از فرایند مطالعه و شناخت ماهیت فرد، جامعه و رشته علمی به قصد تعیین ضرورت‌های تربیتی و هدف‌های آموزشی، در برنامه درسی مطالعات اجتماعی از منابع مختلفی استفاده شده است: اسناد بالاتر از برنامه درسی چون قانون اساسی، هدف کلی آموزش و پرورش و ...، دیدگاه مدیران و سیاست‌گذاران، استفاده از نظرات

دبیران، تجارب کشورهای دیگر، صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی، علایق، تمایلات و توانایی‌های ذهنی یادگیرنده و آسیب‌شناسی وضع موجود (مشکلات دانش‌آموزان، انتظارات جامعه، معلمان و ..) و همچنین عمدتاً از طریق گروه‌های آموزشی استان‌ها، نظر خواهی‌هایی که از سوی معلمان و دانش‌آموزان و سایر افراد به گروه ارسال گردیده است و نیز حضور اعضای شورای برنامه‌ریزی در جلسات شورای آموزشی استان‌ها و مناطق تهران اخذ گردیده است.

به طور کلی نیاز سنجی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی با رویکرد ترکیبی (قیاسی و استقرایی) شکل گرفته است. در تعیین مهم‌ترین مسائل مواجه از مدل استقرایی و در تعیین سودمندی و ارزش‌گذاری و موقعیت مطلوب به صورت قیاسی بوده است.

۳- هدف‌های برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی چگونه انتخاب و تدوین شده‌اند؟

هدف‌های برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی مطابق برنامه‌درسی قصدشده شامل سه حیطه هدف‌های دانشی، هدف‌های مهارتی و هدف‌های نگرشی است و با توجه به معیارهای زیر انتخاب و تدوین شده است:

- ۱- مشارکت فراگیر، ۲- نگرش سیستمی دانش‌آموز، ۳- تأکید بر مفاهیم اساسی و روش‌ها به جای انتقال انبوه واقعیت علمی، ۴- پرورش معیارها و نگرش‌های مطلوب انسانی، ۵- ارتباط با زندگی روزمره و محیط اجتماعی دانش‌آموزان، ۶- توسعه تدریجی مفاهیم و محیط اجتماعی، ۷- ترغیب دانش‌آموزان برای اصلاح و تغییر جامعه، ۸- توجه به نیازهای فرد و جامعه، ۹- پرورش مهارت‌های فرایند تفکر، ۱۰- پرورش خلاقیت، ۱۱- تعهد در مقابل جامعه، ۱۲- تأکید بر هویت دینی و ملی، ۱۳- توجه به قلمروهای مختلف در هدف‌های آموزشی، ۱۴- توجه به نیازها و ضرورت‌های تربیت اجتماعی.

۴- محتوای برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی چگونه انتخاب و سازماندهی شده است؟

محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی با توجه به اصول زیر انتخاب و سازماندهی

شده‌اند:

اصل اول: دانش‌آموزان از تجربیات خود به مفهوم برسند: برای تحقق این اصل از دو روش زیر استفاده می‌شود.

الف- بحث‌ها عمدتاً از مسائل نوجوانان که به مفهوم مورد نظر ارتباط پیدا کند، شروع خواهند شد.

ب- مصادیق بیشتر برای یک مفهوم توسط خود دانش‌آموزان ارائه شود.

اصل دوم: دانش‌آموز با محیط خود تعامل فعال داشته باشد:

از طریق الف- طرح سوالات اساسی در متن درس

ب- طرح سوالات در سطوح مختلف شناختی

ج- تعیین فعالیت‌های عملی

د- امکان فعالیت‌های گروهی

اصل سوم: ارتباط و هماهنگی لازم بین بخش‌های مختلف محتوا. از طریق:

الف- توسعه تدریجی مفاهیم

ب- ایجاد ارتباط مفهومی بین فصول مختلف از طریق مقدمه هر فصل

اصل چهارم: ارتباط برنامه درسی علوم اجتماعی دوره متوسطه

اصل پنجم: هماهنگی برنامه با شرایط آموزشی، فرهنگی و اجتماعی مختلف: از طریق

الف- استفاده از مصادیق مناسب؛ ب- انعطاف در انجام فعالیت‌های عملی و ج- هماهنگی با

جنسیت

اصل ششم: نگرش سیستمی دانش‌آموز

اصل هفتم: نگرش مثبت دانش‌آموز به محتوای برنامه: از طریق الف- ایجاد فرصت برای

کارهای گروهی ب- احتیاج به بیان و ابراز خود و ج- تعیین و تصریح هدف‌های هر درس

۵- الگو و روش‌های یاددهی- یادگیری، در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی چگونه

انتخاب و سازماندهی شده است؟

مهم‌ترین روش‌های تدریس که می‌توان در آموزش مطالعات اجتماعی از آنها استفاده کرد عبارتند از:

روش تدریس آموزش مفاهیم (کسب مفهوم)، روش تدریس پیش سازمان دهنده، روش تدریس بحث گروهی، روش تدریس بارش مغزی، روش تدریس پرسش و پاسخ، روش تدریس یادگیری مشارکتی، روش تدریس اکتشافی هدایت شده، روش تدریس مطالعه موردی، روش تدریس آموزش نمایشی، روش تدریس پژوهش گروهی، آموختن با هم، روش تدریس استفاده از سوالات کلیدی، روش تدریس تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف، روش تدریس سخنرانی.

در انتخاب و سازماندهی روش‌های تدریس فوق به اصول و معیارهای زیر توجه شده است:

اصل هماهنگی میان روش تدریس و هدف‌ها، اصل هماهنگی میان روش تدریس و محتوا، اصل هماهنگی میان روش تدریس و ارزشیابی، اصل توجه به آثار پژوهشی در انتخاب روش تدریس، اصل تناسب روش تدریس با امکانات، اصل هماهنگی روش تدریس با خصوصیات دانش‌آموزان، اصل توجه به امکان مشارکت یادگیرنده در انتخاب روش تدریس، اصل توجه به مهارت‌های حرفه‌ای معلمان، اصل تناسب روش تدریس با جمعیت کلاس، اصل تناسب روش تدریس با زمان تدریس، اصل تناسب روش تدریس با فضا، اصل توجه به جامع‌نگری در انتخاب روش تدریس.

۶- از چه روش‌هایی برای ارزشیابی پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان در برنامه درسی مطالعات اجتماعی استفاده شده است؟

اصولی که در انتخاب شیوه‌ها و روش‌های ارزشیابی برنامه درسی مطالعات اجتماعی مورد نظر قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۱- شیوه‌های ارزشیابی به آزمون‌های نوشتاری محدود نمی‌شود، بلکه فعالیت‌های تعیین شده در کتاب مطالعات اجتماعی نیز ارزشیابی خاص خود را می‌طلبد.

- ۲- در ارزشیابی باید به طرح سوالاتی پرداخت که بتوان از طریق آنها کاربرد آموخته‌های دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار داد.
- ۳- در ارزشیابی باید به طرح سوالاتی پرداخت که مربوط به ارزشیابی امور مختلف و قضاوت درباره آنها باشد.
- ۴- ارزشیابی نباید الزاماً انفرادی باشد، بلکه گاه مستلزم تلاش‌های جمعی و گروهی است
- ۵- از مهارت‌های اجتماعی نظیر مهارت برقراری ارتباط با دیگران، مشورت کردن، همکاری کردن و مسئولیت‌پذیری نیز ارزشیابی به عمل آید.
- ۶- در ارزشیابی برای فعالیت‌های دانش‌آموزان از چک لیست مشاهده رفتار استفاده شود.
- ۷- نتایج کار و گزارش‌هایی که دانش‌آموزان از کار گروهی خود ارائه می‌دهند در ارزشیابی محسوب شود.
- ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس مطالعات اجتماعی به شیوه‌های زیر انجام می‌شود:
- ۱- ارزشیابی تشخیصی: منظور از این ارزشیابی، بررسی میزان آمادگی یادگیرندگان برای درس جدید و سنجش رفتار ورودی می‌باشد که در ابتدای تدریس انجام می‌گیرد.
- ۲- ارزشیابی تکوینی: ارزشیابی تکوینی نوعی از ارزشیابی است که میزان پیشرفت یادگیرنده را در هر مرحله از تدریس معین خواهد کرد. معلم نتایج این نوع ارزشیابی‌ها را باید به اطلاع دانش‌آموزان رسانده و به آنها بازخورد دهد.
- ۳- ارزشیابی پایانی: در ارزشیابی پایانی یا تراکمی، مجموعه آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره آموزشی تعیین می‌گردد و هدف آن نمره دادن به دانش‌آموزان و قضاوت درباره اثربخشی کار معلم و برنامه‌درسی است.
- بر اساس شیوه‌نامه مصوب ارزشیابی دو نوبته، ارزشیابی از دانش‌آموزان به دو شکل «مستمر» و «پایانی» انجام می‌گیرد و نمره امتحان هر درس در هر نوبت، میانگین نمره امتحانی و نمره ارزشیابی مستمر همان نوبت خواهد بود که بر مبنای ۲۰ مشخص می‌شود. ارزشیابی مستمر

شامل موارد زیر است: ۱- آزمون‌های شفاهی و کتبی تدریجی، ۲- میزان مشارکت در فعالیت‌ها و گفتگوهای کلاس، ۳- انجام دادن فعالیت‌های خارج از کلاس، ۴- داشتن دفتر کار منظم برای انجام فعالیت‌ها، ۵- انجام دادن کارهای اختیاری مانند ارائه مقالات تحقیقی و ابتکارهای علمی و ادبی و هنری.

۷- فرآیند ارزشیابی تکوینی از برنامه درسی مطالعات اجتماعی (در زمان طراحی و تدوین برنامه) چگونه بوده است؟

به طور کلی برنامه درسی مطالعات اجتماعی اعم از راهنمای برنامه و کتاب پس از تولید به دو صورت اعتبار بخشی شده است.

۱- ارزشیابی درون سازمانی به این صورت که راهنما در اختیار همه گروه‌های دفتر برنامه‌ریزی قرار گرفته و سپس در یک زمان مشخص در جلسه‌ی مشترک دفتر کلیه مسئولین و کارشناسان گروه‌ها نظرات و پیشنهادهای خود را در کمیسیون‌های مربوطه که در همان جلسه با حضور شرکت کنندگان تشکیل شده ارائه نموده‌اند و مکتوب کرده‌اند و مبنای اصلاح راهنمای برنامه قرار گرفته است.

۲- ارزشیابی با استفاده از نظر معلمان: از طریق ارسال به استان‌ها (گروه‌های آموزشی علوم اجتماعی استان‌ها) و اخذ نظرات کتبی معلمان با کمک سرگروه‌های آموزشی استان‌ها و جمع‌بندی نظرات و اعمال اصلاح بر اساس آنها. اما به جهت وجود محدودیت‌هایی در مقطع دبیرستان این برنامه اجرای آزمایشی را طی نکرده است ولی ارزشیابی پایانی آن توسط موسسه پژوهشی سازمان انجام گرفته.

در مورد کتاب نیز همین فرایند طی شده یعنی پس از تصویب راهنمای برنامه و تألیف کتاب بر مبنای راهنمای برنامه فرایند ارزشیابی و اعتبار بخشی کتاب نیز بر مبنای همان روش راهنمای برنامه صورت پذیرفته علاوه بر آن در مورد کتاب از دانش‌آموزان به طور گزینش تصادفی غالباً در مناطق تهران نیز بهره گرفته شده است.

ب- پرسش‌های مربوط به برنامه‌درسی اجرا شده

۱- آماده‌سازی و توجیه معلمان و مدیران نسبت به برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی چگونه صورت گرفته است؟

پشتیبانی از اجرای یک برنامه‌درسی از طریق آماده‌سازی نیروی انسانی (آموزش به معلمان و مدیران) و تولید مواد آموزشی مورد نیاز از قبیل (کتاب درسی، کتاب راهنمای معلم، بسته‌های آموزشی و فیلم‌های ویدیویی و پیش بینی فضای اجرایی مناسب صورت می‌گیرد

الف) معلمان

طبق برنامه قصد شده معلمان مطالعات اجتماعی باید از دو طریق زیر با اهداف، محتوا و عناصر برنامه درسی مطالعات اجتماعی آشنا می‌شدند:

۱- از طریق برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ۷۶/۹ درصد از معلمان مطالعات اجتماعی در دوره‌های آموزش ضمن خدمت شرکت داشته و ۲۳/۱ درصد از آنها در هیچ دوره‌ای شرکت نداشته‌اند. ۲۱/۲ درصد از معلمانی که در دوره‌های ضمن خدمت شرکت کرده بودند، کیفیت اجرای دوره را ضعیف ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۳۹/۳ درصد از معلمان میزان تأثیر این دوره‌ها را بر افزایش کیفیت کار خود در آموزش مطالعات اجتماعی، در حد کم و خیلی کم و ۳۲/۷ درصد در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این دوره‌ها تأثیر چندانی بر کیفیت آموزش معلمان نداشته و آن‌ها را با ویژگی‌ها و عناصر برنامه درسی مطالعات اجتماعی و کاربردی آن در فرایند یاددهی-یادگیری آشنا نساخته است. ضمناً ضعف‌های اساسی را در مورد کم و کیف این دوره‌ها از جمله ضعف مدرسان در آموزش، ضعف محتوا و مطالب ارائه شده و کیفیت پایین این دوره‌ها بیان داشته‌اند.

۲- از طریق کتاب راهنمای معلم

علاوه بر دوره‌های آموزش ضمن خدمت، برای آمادگی معلمان جهت اجرای برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی از کتاب راهنمای معلم که با همین هدف تدوین شده‌اند استفاده شده است

تا علاوه بر آشنا کردن معلمان با ویژگی‌ها و عناصر برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی در فرایند اجرای برنامه قدم به قدم به آنها کمک نمایند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اکثر معلمان (۶۵/۴ درصد) به کتاب راهنمای معلم دسترسی نداشته‌اند، اما مابقی معلمان (۳۴/۶ درصد) که به کتاب راهنمای معلم دسترسی داشته‌اند اعلام کرده‌اند که محتوای کتاب راهنمای معلم به جز در آشنا ساختن آن‌ها به ارزشیابی از نگرش دانش‌آموزان در مابقی موارد از قبیل آشنا ساختن آنها با فلسفه و چرایی برنامه درسی مطالعات اجتماعی، آشنا ساختن آنها با هدف‌های دانشی، مهارتی و نگرشی، آشنا ساختن آنها با روش‌های ارزشیابی مستمر، ارزشیابی کتبی، ارزیابی فعالیت‌های خارج از کلاس و ارزیابی از مهارت‌های عملکردی دانش‌آموزان، آشنا ساختن آنها با روش تدریس مطالعات اجتماعی، آشنا ساختن آنها با تهیه طرح درس، آشنایی با پیش‌دانسته‌های قبلی مورد نیاز برای هر درس، آشنایی با انجام صحیح انواع فعالیت‌های پیشنهاد شده در کتاب درسی، آشنا ساختن آنها با چارچوب برنامه درسی مطالعات اجتماعی (هدف، محتوا، روش تدریس و ...) و سایر موارد به آنها کمک کرده یا خوب ارزیابی کرده‌اند.

با توجه به موارد یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که محتوای کتاب راهنما توانسته است اطلاعات لازم را در مورد عناصر برنامه درسی مطالعات اجتماعی در اختیار معلمان قرار دهد.

ب) مدیران

اکثر مدیران (۶۵ درصد) اعلام داشته‌اند که تا حدی با هدف‌ها و همچنین فلسفه و چرایی برنامه درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان آشنایی دارند، بنابراین با توجه به اظهارات مدیران می‌توان گفت میزان آشنایی آنها با ویژگی‌ها و عناصر برنامه درسی مطالعات اجتماعی در حد متوسط است. لذا لازم است از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت مدیران را با فلسفه، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و نظام ارزشیابی پیشرفت یادگیری در این درس آشنا سازیم

تا آنها بتوانند با آگاهی لازم زمینه اجرای هر چه بهتر برنامه درسی مطالعات اجتماعی را برای معلمان و دانش‌آموزان در سطح مدرسه خود فراهم نمایند.

شواهد فوق حاکی از آن است که پشتیبانی از برنامه آموزش مطالعات اجتماعی در حد مطلوب صورت نگرفته است و به همین جهت برنامه درسی مطالعات اجتماعی در اجرا با مشکلات متعددی روبه‌رو است که باید از سوی مسئولین برای رفع آنها اقدام شود.

۲- برنامه درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان تا چه اندازه از نظر امکانات و تجهیزات مورد حمایت قرار گرفته است؟

الف) نظر معلمان و سرگروه‌های آموزشی

بر اساس نظرخواهی که از ۵۲ معلم مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در ۲۰ مدرسه در شهر تهران به عمل آمد، وضعیت این مدارس از نظر امکانات و تجهیزات آموزشی مطالعات اجتماعی به شرح زیر بود است:

۱۹/۲ درصد کلاس‌ها دارای فیلم‌های آموزشی، (۳۴ درصد) دارای کتاب راهنمای معلم، (۵۱/۹ درصد) دارای کتاب‌های کمک درسی و (۱۱/۶ درصد) به سایر مواد و تجهیزات آموزشی مانند ویدئوپروژکتور و غیره دسترسی دارند.

بنابراین بر اساس شواهد موجود، دسترسی به امکانات و تجهیزات از نظر این معلمان به طور کلی کم بوده که این نظر مورد تأیید سرگروه‌های آموزشی شهر تهران و همچنین مشاهده‌کنندگان کلاس درس بوده است.

در مورد میزان همکاری مدیر مدرسه در اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی اکثر معلمان (۶۷/۳ درصد) میزان این همکاری را در حد زیاد و خیلی زیاد گزارش کرده‌اند و همچنین در مورد میزان همکاری والدین دانش‌آموزان با معلمان در اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی ۴۸/۱ درصد از معلمان میزان این همکاری را در حد کم و خیلی کم و ۳۸/۵ درصد متوسط گزارش نموده‌اند. در این مورد مدیران هم تقریباً چنین نظری داشتند. مهمترین دلایل عدم همکاری والدین از سوی معلمان آشنا نبودن آنها با هدف‌ها و محتوای درسی و نبود

ارتباط مناسب انجمن اولیاء و مربیان و مدرسه ذکر شده است. که این نظر یعنی عدم همکاری والدین و مدیران مدرسه برای اجرای بهتر برنامه درسی مطالعات اجتماعی مورد تأیید سرگروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی شهر تهران است.

ب- نظر دانش‌آموزان و نمایندگان دانش‌آموزان

با توجه به یافته‌های تحقیق اکثر دانش‌آموزان (۶۷/۱ درصد) اعلام کرده‌اند که معلم آنها برای یادگیری بیشتر درس مطالعات اجتماعی کتاب، مجله و سایتی را به آنها معرفی نکرده‌اند. و در مقابل ۲۷/۵ درصد اعلام کردند که معلمان آنها کتاب، مجله و سایتی را به آنها معرفی کرده‌اند. همچنین بر اساس گزارش ۶۰ نفر از نمایندگان دانش‌آموزان، معلمان آنها در کلاس درس مطالعات اجتماعی از هیچ یک از وسایل کمک آموزشی همچون نرم افزارهای آموزشی برای نمایش فیلم، پاورپوینت و غیره استفاده نمی‌کنند و تعداد اندکی از آنها معتقدند که از وسایل کمک آموزشی در حد کمی استفاده می‌شود. در همین راستا، پژوهش کاظم‌پور (۱۳۸۳) نیز نشان داده است که برنامه‌درسی اجرا شده مطالعات اجتماعی، شرایط و امکانات متناسب را به میزان کمی در اختیار دانش‌آموزان گذاشته است.

ج- مدیران

- اکثر مدیران معتقدند که والدین دانش‌آموزان در اجرای برنامه آموزش مطالعات اجتماعی با معلمان مدرسه همکاری نمی‌کنند.

- اکثر مدیران کیفیت اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی در مدرسه خود خوب ارزیابی کرده‌اند.

- اکثر مدیران (۸۵ درصد) بر این باورند که گروه‌های آموزشی توانسته‌اند مشکلات معلمان را حل و فصل کنند.

مدیران مهمترین مشکلات اجرایی برنامه درسی مطالعات اجتماعی را در مدرسه خود به ترتیب اولویت به شرح زیر گزارش کرده‌اند:

- کمبود نرم‌افزارهای آموزشی مثل فیلم‌های آموزشی و کامپیوتر (۷۰ درصد)
 - کمبود فضا در کلاس‌های درس برای انجام کارهای گروهی (۵۰ درصد)
 - عدم دبیران علاقمند و متخصص (۳۰ درصد)
 - زیاد بودن تعداد دانش‌آموزان در کلاس درس (۱۰ درصد)
- از نظر مدیران والدین در مورد مشکلات برنامه درسی مطالعات اجتماعی موارد زیر را مطرح می‌کنند:
- بی‌انگیزه بودن و بی‌توجه بودن دانش‌آموزان (۱۰ درصد)
 - ناآشنایی با این درس (۱۰ درصد)
 - زیاد بودن محتوای مطالب ارائه شده در کتاب (۲۰ درصد)
 - سخت بودن محتوای این درس (۲۰ درصد)
 - اصلاً مشارکتی ندارند (۲۰ درصد)
- مدیران در برخورد با دانش‌آموزان اظهار داشتند که آنها در مورد زیر از فرایند اجرای برنامه آموزش مطالعات اجتماعی شکایت می‌کنند:
- زیاد بودن حجم محتوای کتاب (۴۰ درصد)
 - سنگینی محتوا بخصوص فصل نظام اقتصادی (۲۰ درصد)
 - جنبه حفظی و تئوریک داشتن (۱۰ درصد)
 - هیچ مشکلی وجود ندارد (۳۰ درصد)
 - بی‌تفاوت نسبت به این درس (۳۰ درصد).
- از نظر مدیران معلمان در مورد مشکلات برنامه درسی مطالعات اجتماعی موارد زیر را مطرح می‌کنند:
- این که تخصص کافی را ندارند و این درس شیوه‌های مطلوب خود را می‌خواهد (۱۰ درصد)
 - زیاد بودن حجم محتوای کتاب برای تدریس آن (۲۰ درصد)

- سنگین بودن محتوای برخی از دروس برای دانش آموزان و عدم علاقه دانش آموزان به این درس (۱۰ درصد)

- مجهز نبودن کلاس‌ها به سیستم کامپیوتر یا نبود سیستم هوشمند در مدرسه (۱۰ درصد)

- شباهت بیش از اندازه دروس باهم (۱۰ درصد)

- عدم امکان فعالیت در خارج از کلاس و اردوهای خارج از مدرسه (۱۰ درصد).

۳- تا چه اندازه هدف‌های پیش‌بینی شده در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی (در

کلاس‌های درس) پیگیری می‌شود؟

مشاهده‌گران در گزارش‌های خود اعلام کرده‌اند که اکثر معلمان (۶۲/۲ درصد) هدف‌های دانشی و نگرشی و مهارتی را در کلاس درس پیگیری می‌کنند. همچنین بر اساس گزارش مشاهده‌گران اکثر معلمان (۷۱/۱ درصد) دانش‌آموزان را به اموری مانند مسئولیت‌پذیری، داشتن نظم و ترتیب در کارها، همکاری و تعاون تشویق می‌کنند. در صورتی که سرگروه‌های آموزشی میزان دستیابی به هدف دانشی را خوب ارزیابی کرده‌اند، اما دستیابی به هدف‌های نگرشی و مهارتی را بسیار کم ارزیابی کرده‌اند.

در نظرخواهی از معلمان در این که کدام یک از مهارت‌های اجتماعی را در دانش‌آموزان تقویت می‌کنند اکثر معلمان اعلام کرده‌اند که به جز مهارت اجتماعی شغل‌یابی و انتقادپذیری در بقیه موارد؛ مهارت اجتماعی همکاری، احترام نسبت به دیگران، تحمل نظرات دیگران، ایجاد ارتباط با دیگران و ایجاد مهارت‌های فرایندهای تفکر نظیر مشاهده کردن، بحث کردن و مقایسه و تجزیه و تحلیل کردن را در دانش‌آموزان (در حد زیاد) تقویت کرده‌اند. در همین راستا، کاظم‌پور (۱۳۸۳) در پژوهش خود با عنوان «ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده در مطالعات اجتماعی آموزش متوسطه شاخه نظری بر اساس مدل سه بعدی روبیتایل از دیدگاه دبیران استان گیلان و مقایسه آن با برنامه درسی قصد شده» نیز نشان داده است که دانش‌آموزان در دستیابی به قلمروهای شناختی برنامه درسی قصد شده مطالعات اجتماعی موفق بوده‌اند، در حالی که در دستیابی به قلمروهای نگرشی و مهارتی برنامه درسی قصد شده در مطالعات

اجتماعی موفقیت چندانی کسب نکرده‌اند. اخلاقی (۱۳۸۳) در پژوهش خود با عنوان «بررسی میزان هماهنگی برنامه درسی قصد شده و اجرا شده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران» به این نتیجه رسیده است که اگر چه اهداف دانشی و نگرشی در حد زیاد و خیلی زیادی مطابق با برنامه قصد شده بوده‌اند. ولی نتایج چک لیست مشاهده رفتار نشان داد که ۸۰ درصد دبیران در زمان اجرای برنامه در حد کم و خیلی کمی بر اهداف مهارتی تأکید کرده‌اند که از این لحاظ برنامه اجرا شده مطابق با برنامه قصد شده نیست. همچنین مفتخر (۱۳۸۶) در پژوهش خود میزان تطابق اهداف برنامه درسی اجرا شده شهروند مسئول با اهداف برنامه درسی قصد شده شهروند مسئول اغلب در سطح متوسط و قابل قبول گزارش کرد.

در مورد این که تا چه اندازه هدف‌های ارائه شده در کتاب درسی مطالعات اجتماعی متناسب با نیازهای جسمی، عقلی، عاطفی، معنوی و اخلاقی دانش‌آموزان است، (۲۱/۱ درصد) از معلمان میزان تناسب هدف را با نیازهای دانش‌آموزان در حد زیاد و خیلی زیاد و (۵۵/ درصد) آن را در حد متوسط گزارش کرده‌اند. در این مورد اعضای گروه‌های آموزشی هم چنین نظری دارند.

با توجه به موارد یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت هدف‌های دانشی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی در کلاس‌های درس پیگیری می‌شود، اما هدف‌های نگرشی و مهارتی کمتر در کلاس‌های درس پیگیری می‌شود.

۴- معلمان و دانش‌آموزان تا چه اندازه محتوای پیش‌بینی شده در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی را در مدارس اجرا می‌کنند؟

محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی بر اساس یک سلسله معیارهایی که در برنامه‌درسی قصد شده به آنها اشاره شده است، انتخاب و سازماندهی شده است و شامل مفاهیم و تعمیم‌ها، فعالیت‌های متن، تصاویر و جداول، سوالات پایان درس، سوالات پایان فصل، سوالات درون متن و بخش مروری بر فصل است.

بر اساس گزارش مشاهده‌گران از کلاس درس اکثر معلمان (بیش از ۸۰ درصد) راجع به فعالیت‌هایی داخل متن، سوالات پایان هر درس، سوالات داخل متن و سوالات پایان هر فصل، مروری بر فصل، تصاویر و جداولی که در متن درس آمده و همچنین مفاهیم و تعمیمهای ذکر شده در متن درس با دانش‌آموزان به گفتگو می‌پردازند.

در همین راستا، پژوهش اخلاقی (۱۳۸۳) نیز نشان داده است که محتوای برنامه در زمان اجرا از نظر دبیران و مشاهده‌کنندگان در حد زیاد و خیلی زیادی مطابق با برنامه قصد شده دنبال شده است. همچنین مفتخر (۱۳۸۶) در پژوهش خود میزان تطابق محتوای برنامه درسی اجرا شده شهروند مسئول با محتوای برنامه درسی قصد شده شهروند مسئول اغلب در سطح متوسط و قابل قبول گزارش کرد.

هماهنگی محتوا و هدف

نتایج نظرسنجی از معلمان نشان می‌دهد که محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی به میزان ۳۴٫۶ درصد تاحدودی، ۳۴٫۶ درصد در حد کم و ۲۱٫۲ درصد در حد زیاد به قلمروهای مختلف در اهداف آموزشی توجه دارد. در حالی که نارمنجی (۱۳۸۰) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزشیابی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول نظام جدید متوسطه از دیدگاه دانش‌آموزان و دبیران» نشان داده است که محتوای به میزان کافی با توجه به هدف‌های مطالعات اجتماعی انتخاب شده است.

در مورد این که محتوای و رویکرد آموزشی کتاب تا چه اندازه به موارد: نگرش سیستمی دانش‌آموزان، ترغیب دانش‌آموزان برای اصلاح و تغییر جامعه، پرورش معیارها و نگرش‌های مطلوب انسانی، پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان، تأکید بر هویت دینی و ملی و همچنین تعهد در مقابل جامعه پرداخته است تقریباً بین ۴۰ تا ۴۵ درصد از معلمان اظهار کردند تا حدودی و ۲۰ الی ۳۰ درصد تا حد زیادی به این موارد پرداخته است، همچنین در اینکه تا چه اندازه محتوا و رویکرد آموزشی کتاب به پرورش مهارت‌های فرابند تفکر (مثل جمع‌آوری اطلاعات،

فرضیه‌سازی و ... می‌پردازد، ۱۹.۲ درصد از معلمان در حد زیاد و خیلی زیاد، ۵۵.۸ درصد تاحدودی و ۲۱.۱ درصد در حد کم و خیلی کم گزارش داده‌اند.

محتوا و اصول سازماندهی

تقریباً بین ۴۵ تا ۵۵ درصد از معلمان اظهار کردند تا حدودی و همچنین ۲۵ الی ۳۵ درصد تا حد زیاد، محتوای کتاب مطالعات اجتماعی متناسب با معیارها و اصول زیر است: آموخته‌های قبلی دانش‌آموز، توانایی دانش‌آموز، زندگی روزمره و محیط اجتماعی دانش‌آموزان، تجربیات روزمره دانش‌آموزان، توسعه تدریجی مفاهیم، اصول سازماندهی محتوا (مانند توجه به نیازهای جامعه و فرد، مسائل جامعه و توانایی یادگیرنده)، شیوه‌های گوناگون سازماندهی (مانند تلفیقی، مجزا و غیره) و همچنین انسجام و پیوستگی. در همین راستا، پژوهش نارمنجی (۱۳۸۰) نیز نشان داده است که محتوا به میزان کافی و مطلوب متناسب با ماهیت و توانایی ذهنی یادگیرندگان، آشنا ساختن دانش‌آموزان با حقوق و وظایف اجتماعی و مدنی و همچنین سازماندهی و ارتباط فصول با یکدیگر نیست. اما در مورد تناسب محتوا با نیازهای فردی و اجتماعی همانند یافته‌های این تحقیق است.

در مورد این که تا چه اندازه محتوا و رویکرد آموزشی برنامه مطالعات اجتماعی برای دانش‌آموزان جذاب و دوست‌داشتنی است؛ ۲۶.۹ درصد از معلمان در حد زیاد، ۳۸.۵ درصد تا حدودی و ۳۲.۷ درصد در حد کم اعلام کرده‌اند. در حالی که پژوهش نارمنجی (۱۳۸۰) نشان داده است که محتوای کتاب متناسب با علایق دانش‌آموزان نیست.

براساس گزارش سرگروه‌های آموزشی میزان تناسب محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی با توانایی و درک و فهم دانش‌آموزان در سطح پایین است. نتایج پژوهش نارمنجی (۱۳۸۰) نیز بر عدم تناسب محتوا با درک و فهم دانش‌آموزان تأکید دارد.

فعالیت‌های یادگیری

اکثر معلمان (۷۳.۱ درصد) فعالیت‌های پیشنهاد شده در کتاب را تا حدودی متناسب با توانایی جسمی و عقلی دانش‌آموزان گزارش کردند. این مسئله در نظرسنجی از دانش‌آموزان هم مورد تأیید قرار گرفته است. در حالی که در مورد علاقه مندی دانش‌آموزان به فعالیت‌های پیش‌بینی شده در کتاب نظرات متفاوتی از جانب معلمان، (۲۶.۹ درصد) زیاد، (۴۶.۲ درصد تا حدودی) و ۲۵ درصد در حد کم گزارش شده است. در این مورد دانش‌آموزان هم تقریباً چنین نظری داشتند. همچنین در مورد اینکه تا چه اندازه محتوا و رویکرد آموزشی کتاب دانش‌آموزان را به درگیر شدن در فعالیت‌های یادگیری سوق می‌دهند، ۱۱.۵ درصد این ویژگی را در حد زیاد، ۵۵.۸ درصد آن را در حد متوسط و ۱۹.۲ درصد دیگر آن را در حد کم و خیلی کم گزارش کرده‌اند.

بر اساس نظرسنجی از دانش‌آموزان، نمایندگان گروه‌های دانش‌آموزان و همچنین معلمان اکثر آنها بیان کردند که انجام فعالیت‌های بخش نظام اقتصادی و نظام سیاسی مشکل دارند. چرا که فراتر از درک و توانایی دانش‌آموزان است.

اکثر معلمان (۶۳.۴ درصد) میزان علاقه مندی دانش‌آموزان به شرکت در فعالیت‌های گروهی را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. در حالی که قابلیت اجرایی فعالیت‌های پیشنهادی ارائه شده در کتاب را ۳۱ درصد از معلمان در حد زیاد، (۳۲.۷ درصد) تا حدودی و (۲۷ درصد) در حد کم گزارش کرده‌اند.

تصاویر و جداول

اکثر معلمان (۵۷.۷ درصد) میزان جذابیت تصاویر، جدول‌ها و نمودارهای ارائه شده در کتاب را برای دانش‌آموزان در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. این مسئله در نظرسنجی از دانش‌آموزان هم مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین اکثر معلمان معتقدند که تصاویر، جدول‌ها و نمودارهای موجود در کتاب مطالعات اجتماعی به ساده‌سازی مطالب برای یادگیری

دانش‌آموزان کمک نمی‌کنند. این مسأله در نظرسنجی از دانش‌آموزان هم مورد تأیید قرار گرفته است

با توجه به یافته‌های این پژوهش اکثر معلمان، دانش‌آموزان، نمایندگان دانش‌آموزان و سرگروه‌های آموزشی اظهار کردند که درک برخی از مفاهیم و فعالیت‌های کتاب خصوصاً بخش نظام اقتصادی و نظام سیاسی دارای مشکل اساسی‌اند.

لازم به توضیح است با توجه به سنگینی محتوا و قابل درک و فهم نبودن برخی از مطالب و موضوعات ارائه شده در کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان لازم است تا کارشناسان محتوا در شورای برنامه‌ریزی درسی مطالعات اجتماعی اقدامات لازم را در جهت تغییر این محتواها یا ارائه مناسب‌ترین محتواها به گونه‌ای که با قدرت درک و فهم دانش‌آموزان همخوانی داشته باشد اقدام کنند.

محتوا و زمان پیش‌بینی شده

برای اجرای برنامه درسی مطالعات اجتماعی (۲ ساعت) در طول هفته در نظر گرفته شده است. ۴۰ درصد از مدیران بر اساس شکایت‌های معلمان مدرسه خود اعلام داشته‌اند که حجم مطالب مطالعات اجتماعی زیاد است و معلمان وقت کافی برای تدریس این درس را ندارند. همچنین ۴۰ درصد از مدیران از شکایت دانش‌آموزان به زیادی حجم مطالب کتاب درس مطالعات اجتماعی و کمی زمان پیش‌بینی شده برای تدریس این درس تأکید کرده‌اند. در صورتی که در مصاحبه که با نمایندگان دانش‌آموزان صورت گرفته ۸۰ درصد از آنها اعلام کرده‌اند که حجم مطالب و محتوای درس مطالعات اجتماعی مناسب و کافی است و ۲۰ درصد اعلام کرده‌اند که حجم مطالب و محتوای درس مطالعات اجتماعی زیاد است. و در مورد زمان پیش‌بینی شده برای تدریس این درس اکثر دانش‌آموزان (بیش از ۹۰ درصد) زمان اجرای درس مطالعات اجتماعی را مناسب و کافی می‌دانند و حدود ۱۰ درصد از دانش‌آموزان معتقدند که زمان پیش‌بینی شده برای درس مطالعات اجتماعی کم است چون حجم مطالب زیاد است.

این مسئله مورد تأیید سرگروه‌های آموزشی هم است. همچنین در مورد هماهنگی حجم محتوای کتاب با زمان پیش‌بینی شده برای تدریس آن (۵۱.۹ درصد) از معلمان این هماهنگی را در حد زیاد و خیلی زیاد، (۱۹.۲ درصد) در حد متوسط و (۲۶.۹ درصد) دیگر آن را در حد کم و خیلی کم گزارش کرده‌اند.

۵- تا چه اندازه از روش‌های یاددهی - یادگیری پیش‌بینی شده در برنامه درسی مطالعات اجتماعی استفاده می‌کنند؟

در برنامه‌درسی قصد شده اظهار شده است که در آموزش مطالعات اجتماعی انتظار می‌رود معلمان در جریان تدریس از راهبردهایی مانند: روش تدریس آموزش مفاهیم (کسب مفهوم)، پیش‌سازمان دهنده، بحث گروهی، بارش مغزی، پرسش و پاسخ، یادگیری مشارکتی، اکتشافی هدایت شده، مطالعه موردی، آموزش نمایشی، پژوهش گروهی، آموختن با هم، استفاده از سوالات کلیدی، تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف و روش تدریس سخنرانی استفاده کنند.

در نظرسنجی از معلمان آنها اظهار کرده‌اند که به ترتیب از روش تدریس پرسش و پاسخ (۷۹/۹ درصد)، بحث گروهی (۶۷/۳ درصد)، یادگیری مشارکتی (۶۱/۵ درصد)، سخنرانی (۵۱/۹ درصد)، آموزش مفاهیم (کسب مفهوم) (۳۸/۵ درصد) استفاده می‌کنند؛ این در حالی است که بنا به گزارش معلمان از سایر روش‌ها پیشنهاد شده در حد خیلی کم استفاده کرده‌اند. در حالی که مفتخر (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تفاوت برنامه درسی قصد شده و اجرا شده شهروند مسئول در دوره آموزش متوسطه نظری از دیدگاه دبیران» به این نتیجه رسیده است که میزان تطابق روش‌های تدریس برنامه‌درسی اجرا شده شهروند مسئول با روش‌های تدریس برنامه درسی قصد شده شهروند مسئول اغلب در سطح متوسط و قابل قبولی است.

۵۲ درصد از معلمان اظهار داشته‌اند که روش‌های تدریس پیشنهاد شده در راهنمای برنامه درسی مطالعات اجتماعی تا حدی، ۳۳ درصد در حد خیلی کم و ۱۵ درصد در حد زیاد قابل اجراست. معلمان علت مشکلات اجرای روش‌های تدریس مطالعات اجتماعی را حجم زیاد مطالب و کمی وقت، زیاد بودن دانش‌آموزان در کلاس و همچنین حجم زیاد فعالیت‌های

پیشنهاد شده در محتوای دروس گزارش کرده‌اند که در این زمینه سرگروه‌های آموزشی هم چنین مسائلی را مطرح کرده بودند.

بر اساس نظرات مشاهده‌گران از کلاس درس، اکثر معلمان از سه روش تدریس سخنرانی (۷۱/۱ درصد)، روش تدریس بحث گروهی (۶۸/۹ درصد) و روش تدریس پرسش و پاسخ (۶۰ درصد) در کلاس درس استفاده می‌کنند و در مقابل از سایر روش در حد بسیار کم استفاده کرده‌اند. همچنین گزارش نمایندگان دانش‌آموزان حاکی از آن است که آنها بیشتر از روش تدریس سخنرانی، پرسش و پاسخ، بحث و تبادل نظر گروهی استفاده می‌کنند. ملاحظه نتایج فوق نشان می‌دهد که در اکثر موارد روش‌های تدریس پیش‌بینی شده برای استفاده دبیران در زمان اجرای برنامه درسی در حد مطلوبی مورد استفاده واقع نشده و تنها از چهار روش تدریس پرسش و پاسخ (۷۹/۹ درصد)، بحث گروهی (۶۷/۳ درصد)، یادگیری مشارکتی (۶۱/۵ درصد)، سخنرانی در حد مطلوب استفاده شده است. از این لحاظ برنامه اجرا شده مطابق با برنامه قصد شده تعقیب نگردیده است. در همین راستا، پژوهش اخلاقی (۱۳۸۳) نیز نشان داده است که فقط از روش‌های تدریس پیش‌سازمان‌دهنده و کسب مفهوم در حد زیاد و خیلی زیادی مطابق با برنامه قصد شده دنبال می‌شود و از سایر روش‌ها استفاده مطلوب به عمل نمی‌آید.

در نظرسنجی از دانش‌آموزان اعلام کردند که معلمان آنها در تدریس مطالعات اجتماعی به ترتیب از روش تدریس سخنرانی (۵۲/۳ درصد)، آموزش مفاهیم (کسب مفهوم) (۳۴/۹)، بحث گروهی و پرسش و پاسخ (۳۱/۵ درصد) ۴- روش تدریس یادگیری مشارکتی (۲۲/۸ درصد) ۵- روش تدریس پژوهش گروهی (۱۷/۸ درصد) ۶- روش تدریس تقسیم موضوع به بخش‌های مختلف و آموختن با هم (۱۶/۸ درصد) و سایر روش‌ها در حد خیلی کم استفاده کردند.

در نظرسنجی از مدیران آنها اعلام کردند که معلمان آنها به ترتیب از روش تدریس پرسش و پاسخ (۶۰ درصد)، یادگیری مشارکتی و بحث گروهی (۵۵ درصد)، سخنرانی (۴۵ درصد) و آموزش مفاهیم (۳۰ درصد) استفاده می‌کنند.

اکثر دانش‌آموزان (۷۷.۲ درصد) اظهار داشته‌اند که معلم درس مطالعات اجتماعی برای تدریس این درس آنها را به کارهای گروهی و نداشته است و (۲۱.۵ درصد) گفتند که معلم آنها رابه کارهای گروهی و داشته است. این مسأله در مصاحبه گروهی با سرگروه‌های آموزشی و نمایندگان دانش‌آموزان نیز هم مورد تأیید قرار گرفته است. در حالی که اکثر مدیران (۵۵ درصد) اظهار کردند که معلمان مدراس آنها دانش‌آموزان را در حد زیاد و خیلی زیاد و ۳۵ درصد تا حدودی به انجام کارهای گروهی در درس مطالعات اجتماعی تشویق می‌کنند.

اکثر دانش‌آموزان (۷۳.۱ درصد) اظهار داشته‌اند که در حد زیاد و خیلی زیاد از نحوه تدریس معلمان خود در درس مطالعات اجتماعی رضایت دارند. در مقابل ۱۸.۱ درصد اظهار داشته‌اند که در حد کم و خیلی کم از نحوه تدریس معلم خود در درس مطالعات اجتماعی رضایت دارند.

تا چه اندازه شیوه ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان در برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی مطابق با روش‌های پیش‌بینی شده در برنامه به اجرا در می‌آید؟ در ارتباط با شیوه ارزشیابی از آموخته‌های فراگیران در درس مطالعات اجتماعی نتایج زیر بدست آمد.

با توجه به یافته‌های تحقیق ۲۵ درصد از معلمان روش‌های ارزشیابی توصیه شده در درس مطالعات اجتماعی را در حد زیاد و خیلی زیاد ۳۰ درصد تا حدودی و ۴۵ درصد در حد کم و خیلی کم قابل اجرا می‌دانند. در حالی که ۳۰ درصد مدیران اظهار داشته‌اند که معلمان در حد زیاد و خیلی زیاد، ۶۰ درصد تا حدودی و ۱۰ درصد در حد کم روش‌های پیشنهاد شده برای ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی را اجرا می‌کنند.

در نظرسنجی از معلمان آنها اظهار کرده‌اند که برای ارزشیابی مستمر به منظور پیشرفت تحصیلی یادگیرندگان به ترتیب از ابزارهای ارزشیابی زیر استفاده می‌کنند: انواع آزمون‌های شفاهی و کتبی تدریجی (۱۰۰ درصد)، میزان مشارکت در فعالیت‌ها و گفتگوهای کلاسی (۶۷.۳ درصد)، شرکت در بحث‌های گروهی و همکاری در کار گروهی (۵۳.۸ درصد)، داشتن دفتر کار منظم برای انجام فعالیت‌ها (۴۲.۳ درصد)، انجام دادن کارهای اختیاری مانند ارائه مقالات تحقیقی و ابتکاری و عملی و ادبی و هنری (۴۰.۴ درصد)، انجام دادن فعالیت‌های خارج از کلاس (۳۴.۶ درصد). این درحالی است که با توجه به گزارش مشاهده‌گران از کلاس درس، معلمان برای ارزشیابی مستمر به ترتیب از ابزارهای زیر: انواع آزمون‌های شفاهی و کتبی تدریجی (۸۲/۲ درصد)، شرکت در بحث‌های گروهی و همکاری در کار گروهی و انجام دادن کارهای اختیاری مانند: ارائه مقالات تحقیقی و ابتکاری و عملی و ادبی و هنری (۵۱/۱ درصد)، میزان مشارکت در فعالیت‌ها و گفتگوهای کلاسی (۴۸/۹ درصد)، انجام دادن فعالیت‌های خارج از کلاس (۴۴/۴ درصد) و داشتن دفتر کار منظم برای انجام فعالیت‌ها (۲۸/۹ درصد) استفاده کرده‌اند. در همین راستا، پژوهش اخلاقی (۱۳۸۳) نیز نشان داده است که از نظر مشاهده‌گران دبیران انجام دادن کارهای اختیاری، گروهی و فعالیت‌های خارج از کلاس و انجام فعالیت‌های متن را در حد کم و خیلی کم در ارزشیابی محسوب کرده و نتایج ارزشیابی‌های مستمر را به اطلاع آنها نمی‌رسانند؛ ولی از نظر دبیران، موارد فوق در زمان اجرا در حد زیاد و خیلی زیادی رعایت شده است.

همچنین اعضای گروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی معتقدند که بیشتر معلمان به ارزشیابی از دانش‌ها و مفاهیم و حقایق علمی می‌پردازند و در ارزشیابی از مهارت‌ها و نگرش‌ها و همچنین در ارزشیابی از فعالیت‌های گروهی و فعالیت‌های خارج از کلاس دانش‌آموزان با مشکلات اساسی مواجه هستند. بنابراین معتقدند به علت عدم آشنایی معلمان با انواع آزمون‌های عملکردی و ابزارهای سنجش نگرش در مورد روش‌ها و ابزارهای اندازه‌گیری مربوط به

هدف‌های عملکردی و نگرشی دانش‌آموزان در دوره‌های ضمن خدمت و یا از طریق بازنگری در محتوای کتاب راهنمای معلم آموزش‌های لازم به معلمان ارائه شود.

در نظرسنجی از معلمان آنان اظهار داشتند که در ارزشیابی از دانش (۵۱.۹ درصد)، ارزشیابی از مهارت‌ها (۵۹.۷ درصد)، ارزشیابی از نگرش‌ها (۶۳.۵ درصد)، ارزشیابی از فعالیت‌های خارج از کلاس دانش‌آموزان (۴۸.۱ درصد)، ارزشیابی از فعالیت‌های گروهی (۵۴.۹ درصد) در حد کم و خیلی کم مشکل دارند. در مقابل کمتر از ۲۰ درصد از معلمان اظهار کردند که در ارزشیابی از دانش، مهارت، نگرش، فعالیت‌های خارج از کلاس و ارزشیابی از فعالیت‌های گروهی در حد زیاد مشکل دارند. و بین ۲۰ الی ۳۰ درصد از معلمان اظهار کردند که تا حدودی در این ارزشیابی‌ها مشکل دارند.

یافته‌های گزارش مشاهده گران حاکی از آن است که میزان استفاده معلمان از ارزشیابی تشخیصی (۴۴.۴ درصد)، ارزشیابی تکوینی (۵۱.۱ درصد)، ارزشیابی مهارت‌های اجتماعی نظیر مهارت برقراری ارتباط با دیگران، مشورت کردن، همکاری کردن و مسولیت‌پذیری (۴۸.۹ درصد)، ارزشیابی از نتایج کار و گزارش‌های دانش‌آموزان از کار گروهی خود (۶۰ درصد) و ارائه بازخورد از نتایج ارزشیابی مستمر به دانش‌آموزان ۴۲.۲ درصد بوده است. در حالی که اخلاقی (۱۳۸۳) در پژوهش خود نشان داده است که معلمان در حد زیاد و خیلی زیاد به ارزشیابی تشخیصی، ارزشیابی جمعی و گروهی و داشتن دفتر کار منظم اقدام کرده، اما میزان استفاده معلمان از ارزشیابی مهارت‌های اجتماعی نظیر ارتباط با دیگران، مشورت کردن و ... در حد کم و خیلی کم بوده است. همچنین مفتخر (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که میزان تطابق ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده شهروند مسئول با ارزشیابی برنامه درسی قصد شده شهروند مسئول اغلب در سطح متوسط و قابل قبول است.

بیش از ۷۰ درصد از نمایندگان گروه‌های دانش‌آموزان نحوه ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی را مناسب ارزیابی کردند و ۳۰ درصد از دانش‌آموزان ارزشیابی این درس را ضعیف اعلام کردند. در این مورد مدیران هم چنین نظری داشتند. علت ضعف را جنبه حفظی داشتن و

جزئی نگرسی سوالات امتحانی ذکر کرده‌اند. این مسأله در نظرسنجی از مدیران از قول دانش‌آموزان نیز عنوان شده است.

ج- پرسش‌های مربوط به برنامه‌درسی کسب‌شده

به منظور قضاوت در مورد میزان تحقق یافتن هدف‌های برنامه درسی کسب شده، گذشته از نتایج آزمون دانشی، نگرشی و عملکردی دانش‌آموزان که در پایان سال تحصیلی به اجرا در آمد، میانگین نمرات ارزشیابی‌های مستمر (نوبت دوم) و پایانی هر یک از دانش‌آموزان که در کارنامه هر یک از آنها ثبت شده، گردآوری شد. در نهایت با محاسبه میانگین میانگین‌های نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های (مستمر، پایانی، دانشی؛ نگرشی و عملکردی) و همچنین با توجه به معنادار بودن تفاوت‌های مشاهده شده از نظر آماری (در سطح یک درصد) نتایجی بدست آمد که در این جا به شرح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

۱- تا چه اندازه هدف‌های دانشی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در دانش‌آموزان محقق شده است؟

یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که میانگین نمرات دانش‌آموزان در آزمون‌های دانشی به ترتیب در آزمون مستمر (۱۶.۵۱)، آزمون دانشی (۱۵.۹۸) و آزمون پایانی (۱۵.۴۹) بوده است. همچنین، میانگین کل نمره دانش‌آموزان در سه آزمون (۱۵.۹۹) است. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عملکرد دانش‌آموزان در سه آزمون در حد بالاتر از انتظار (۷۰ درصد یعنی نمره ۱۴ از بیست) قرار دارد. به عبارت دیگر، هدف‌های دانشی برنامه آموزشی مطالعات اجتماعی در حد قابل قبول در دانش‌آموزان تحقق یافته است.

۲- تا چه اندازه هدف‌های مهارتی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان در دانش‌آموزان محقق شده است؟

براساس یافته‌های به دست آمده از اجرای آزمون مهارتی می‌توان چنین استنباط کرد که دانش‌آموزان سال اول دبیرستان، با کسب میانگین نمره (۱۳.۷۵) نتوانسته‌اند در حد مورد انتظار

۱- با توجه به عدم آشنایی اکثر مدیران و معلمان از فلسفه، اهداف و روش‌های ارزشیابی برنامه‌درسی مطالعات اجتماعی و ضعف دوره‌های آموزش ضمن خدمت از دیدگاه معلمان و مدیران پیشنهاد می‌شود:

۱-۱ دوره‌های ضمن خدمت با اهداف، محتوا و روش‌های مناسب تدریس برای مدیران، معلمان مطالعات اجتماعی، حتی والدین دانش‌آموزان برگزار شود.

۱-۲ طراحی و تدوین برنامه‌های دوره‌های ضمن خدمت آموزش مطالعات اجتماعی بر اساس نیازسنجی از معلمان و مدیران صورت گیرد.

۱-۳ در طراحی و تدوین محتوای کتاب راهنمای معلم (که نقش تعیین کننده در معرفی فلسفه، اهداف، محتوا، روش‌های یاددهی - یادگیری و شیوه‌های ارزشیابی پیشرفت یادگیری دانش‌آموزان به معلمان دارد) تجدیدنظر اساسی صورت گرفته و از طریق آنها به نیازهای واقعی معلمان برای تدریس مطالعات اجتماعی پاسخ داده شود.

۲- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اکثر معلمان (۶۵ درصد) مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان فاقد کتاب راهنمای معلم و دیگر کتاب‌های کمک درسی هستند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود شورای برنامه‌ریزی علوم اجتماعی و سایر مسئولین در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف نسبت رفع نواقص مهم اقدام نموده و برای همه معلمان کتاب راهنمای تدریس مطالعات اجتماعی ارسال نمایند.

۳- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد معلمان در تدریس درس مطالعات اجتماعی مطابق آنچه که در برنامه قصد شده پیشنهاد شده است عمل نمی‌کنند و لذا بر روش‌های آموزش این درس تسلط کافی ندارند. بر این اساس لازم است:

۳-۱ از طریق برگزاری دوره‌های ضمن خدمت معلمان با روش‌های تدریس مطالعات اجتماعی آشنا شوند.

۲-۳ از طریق برگزاری جشنواره‌های تدریس نمونه‌هایی از تدریس موفق معلمان برای آموزش سایر معلمان به آنها معرفی شود و پس از نمایش هر تدریس، جلسه نقد و بررسی با حضور معلمان مطالعات اجتماعی صورت گیرد.

۳-۳ با تهیه و تولید لوح‌های فشرده، نمونه‌هایی از تدریس‌های مناسب معلمان مطالعات اجتماعی، برای استفاده سایر معلمان در سایت گروه برنامه ریزی آموزش مطالعات اجتماعی قرار داده شود.

۴-۳ با طراحی و ایجاد «سایت معلمان مطالعات اجتماعی» نمونه‌هایی از تدریس‌های مناسب معلمان مطالعات اجتماعی در این سایت قرار داده شود.

۵-۳ در مورد چگونگی ایجاد فرصت‌های مناسب یادگیری برای ایجاد و توسعه مهارت‌های فرایند تفکر در دانش‌آموزان شیوه‌های تهیه طرح درس، آموزش‌های لازم به معلمان داده شود.

۴- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دانش‌آموزان در یادگیری برخی از مباحث و مطالب ارائه شده در کتاب مطالعات اجتماعی با مشکل مواجه‌اند و در برخی موارد، هم معلمان و هم دانش‌آموزان از زیادی حجم محتوای کتاب مطالعات اجتماعی شکایت کرده‌اند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۴-۱ از طریق یک پژوهش میدانی به بررسی کیفیت محتوای کتاب مطالعات اجتماعی و میزان تطابق آنها با قدرت درک و فهم فراگیران اقدام شود. تا بر اساس یافته‌های آن نسبت به اصلاح و تغییر جنبه‌های دشوار محتوای مطالعات اجتماعی اقدام شود.

۴-۲ در صورت صلاحدید و بر مبنای کار کارشناسی به نحوی که به ساخت و بافت کلی محتوای مطالعات اجتماعی آسیب وارد نشود، برای کاهش بخش‌هایی از محتوای مطالعات اجتماعی اقدام شود.

- ۵- همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان می‌دهد اکثر معلمان در کلاس آموزش مطالعات اجتماعی از انجام کارهای گروهی استقبال نمی‌کنند و مشکلاتی چون زیادی تعداد دانش‌آموزان و کمبود فضا برای کار گروهی در کلاس ذکر کرده‌اند. براین اساس لازم است:
- ۱-۵ در مورد نقش و اهمیت کار گروهی و روش‌های سازماندهی فعالیت‌های گروهی و نحوه ارزشیابی از عملکرد افراد در گروه به معلمان آموزش‌های لازم داده شود.
- ۲-۵ با توجه به حجم زیاد دانش‌آموزان در کلاس و کمبود فضای لازم برای انجام کارهای گروهی و احیاناً نامناسب بودن میز و صندلی‌های کلاس‌ها برای اجرای فعالیت‌های گروهی، لازم است شرایطی فراهم شود که مشکلات یاد شده در کلاس‌ها برطرف گردیده و زمینه برای انجام اجرای کارهای گروهی از هر نظر فراهم شود.
- ۶- یافته‌های این پژوهش نشان داد که هم معلمان و هم دانش‌آموزان از زمان پیشنهاد شده برای تدریس درس مطالعات اجتماعی در طول هفته (دو ساعت در هفته) رضایت ندارند و این زمان را برای اجرای درس مطالعات اجتماعی کافی نمی‌دانند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود برای افزایش ساعات مطالعات اجتماعی حداقل یک ساعت (مطابق آنچه که معلمان مطالعات اجتماعی پیشنهاد کرده‌اند) اقدام لازم صورت پذیرد.
- ۷- در اجرای موفق برنامه‌های مطالعات اجتماعی لازم است در درجه اول مدیران مدارس و سپس والدین دانش‌آموزان با معلمان این درس همکاری داشته باشند. نتایج این پژوهش در این مورد گلايه‌هایی را از سوی معلمان نشان داد. لذا پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های آموزشی و توجیهی به نقش و اهمیت مدیران در ایجاد امکانات، موقعیت‌ها و فرصت‌های مناسب یادگیری درس مطالعات اجتماعی و نقش و انتظارات معلمان از والدین در این درس، اهمیت داده شود.
- ۸- نتایج آزمون‌های دانشی، مهارتی و نگرشی نشان داد که دانش‌آموزان نتوانسته‌اند در حد مورد انتظار (تحقق ۷۰٪ هدف‌ها) به اهداف نگرشی و مهارتی این برنامه نائل شوند بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱-۸ به معلمان مطالعات اجتماعی آموزش داده شود که در فرایند یاددهی-یادگیری هدف‌های مهارتی و نگرشی را بیشتر مورد توجه قرار دهند.

۲-۸ لازم است به معلمان مطالعات اجتماعی آموزش داده شود که چگونه در جریان تدریس فعالیت‌های عملکردی دانش‌آموزان مد نظر قرار داده و به ارزشیابی مهارت‌ها و ارائه بازخوردهای مناسب برای رفع موانع و مشکلات یادگیری دانش‌آموزان در این زمینه اقدام کنند.

۳-۸ باید به معلمان مطالعات اجتماعی آموزش داده شود تا با استفاده از انواع آزمون‌های عملکردی مانند تهیه کارپوشه‌ها و چک لیست‌های مشاهده رفتار در جریان تدریس نحوه عملکرد دانش‌آموزان را مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار دهند.

۴-۸ به منظور رشد و توسعه هدف‌های نگرشی لازم است معلمان در دوره‌های آموزشی با چگونگی ارزشیابی این هدف‌ها از طریق چک لیست‌های مشاهده رفتار آشنا شوند.

۵-۸ خود ارزشیابی نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه نگرش‌های دانش‌آموزان دارد. بر این اساس لازم است به معلمان آموزش داده شود تا در پایان هر جلسه درسی یا پس از انجام یک فعالیت گروهی از دانش‌آموزان بخواهند تا مهارت‌ها و تغییر نگرش‌های خویش را در رابطه با آن درس به معلم خود گزارش کنند.

۶-۸ استفاده از کارپوشه‌ها که از طریق آنها نمونه کارهای عملی، گزارشات کتبی، نمونه‌هایی از چک لیست‌های مشاهده رفتار دانش‌آموزان، گاهی اوراق امتحانی و نظایر آن در یک پوشه یا فایل نگهداری می‌شود برای ارزشیابی درس مطالعات اجتماعی به معلمان توصیه شده است. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود در زمینه نحوه تولید و استفاده از کارپوشه‌ها به معلمان آموزش لازم داده شود.

۷-۸ نتایج این پژوهش نشان داد که اکثر معلمان با روش طراحی و استفاده از چک لیست‌های مشاهده رفتار آشنا نیستند لذا پیشنهاد می‌شود در دوره‌های آموزش ضمن خدمت یا در محتوای کتاب راهنمای معلم به معلمان آموزش داده شود که با نحوه ساختن و استفاده از

این ابزار مناسب برای سنجش فعالیت‌های گروهی و تحقیقات انجام شده از سوی دانش‌آموزان کاربرد دارد آشنا شوند.

منابع فارسی

- احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۵). بررسی میزان همخوانی و هماهنگی بین سه برنامه‌درسی قصدشده، اجراشده و کسب‌شده در برنامه جدید آموزش علوم دوره ابتدایی). *فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت*، دوره ۲۲، ۸۶، صص ۹۲-۵۱
- احمدی، غلامعلی. (۱۳۸۸). ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده و کسب شده علوم دوره راهنمایی. *طرح پژوهشی، وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی*.
- اخلاقی، مرتضی. (۱۳۸۳). بررسی میزان هماهنگی و همخوانی برنامه درسی قصدشده و اجراشده مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۳-۸۴، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.
- سیلور، الکساندر و لوئیس. (۱۳۷۸). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر* (ترجمه غلامرضا خوی نژاد). مشهد: آستان قدس رضوی.
- کاظم پور، اسماعیل. (۱۳۸۳). ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده درس مطالعات اجتماعی آموزش متوسطه شاخه نظری بر اساس مدل سه بعدی روبیتایل از دیدگاه دبیران استان گیلان در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ و مقایسه آن با برنامه درسی قصد شده، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.
- مفتخر، سیف‌الله. (۱۳۸۶). بررسی تفاوت برنامه درسی قصد شده و اجرا شده شهروند مسئول در دوره آموزش متوسطه نظری از دیدگاه دبیران علوم اجتماعی استان آذربایجان شرقی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

نارمنجی، صدیقه. (۱۳۸۰). ارزشیابی محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دبیرستان نظام جدید آموزش متوسطه از دیدگاه دانش آموزان و دبیران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۳). برنامه‌درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها، چشم‌اندازها. مشهد، آستان قدس رضوی.

منابع انگلیسی

- Glatthorn, A.A, Boschee, F, White head, B.m & Boschee, B.F .(2012). “Curriculum leader ship : Strategies for Development and Implementation”, Third Ed, Thousandoaks, SAGE, Inc.
- Glatthorn, A.A, Boschee, F, White head, B.m .(2009). “Curriculum leader ship: Strategies for Development and Implementation”, second Ed, Thousandoaks, SAGE, Inc.
- Robitaille. D.F.et al. (1993). Curriculum Framework For Mathematics and science Canada IEA.
- Schmidt, M.H. et al .(1997). Many visions, many aims: across national investigation of curricular intentions in school Mathematics (vol.1). Dordrech : Kluwer.
- Monica,J. (2003),”A study of textbooks as the potentially implemented curriculum” Department of Mathematics Lulea university of technolngy. SE-971 87 Lulea , SWEDEN.
- Tshering,Y .(1998), “The Intended and the Taught curriculum in Grade 6 Geography in Bhutan :A curriculum Audit”. In the Department of curriculum and Instrution, The university of new BRUNSWICK. April.